



روایت مجید مجیدی از دیدار با مقام معظم رهبری

همه می گفتند سیاه‌نمایی کردی اما اقا نظر دیگری داشت

شش سال پیش مجید مجیدی در گفت‌وگویی درباره دیدگاه‌های فرهنگی رهبر معظم انقلاب و ماجرای دی‌دار با ایشان در سال ۱۳۷۰ صحبت کرد. این گفت‌وگو در ویژه‌نامه روزنامه جام‌جم که به مناسبت آغاز بیستمین سال رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای منتشر شده بود به چاپ رسیده است. در بخشی از این گفت‌وگو در مورد فیلم «بدوک» و نظر مقام‌معظم رهبری در مورد این فیلم توضیح داده شده است:
… تاکنون پیش آمده که درباره کارهای‌تان با ایشان (رهبر انقلاب) رو در رو حرف بزنید؟

اولین دیدار من با آقا برمی‌گردد به سال ۷۰ و فیلم «بدوک».

چه فیلم تلخی هم بود!

بله، خب فیلم تلخی باید می‌بود. این فیلم برای من منشا اتفاقاتی هم شد و البته مصداق خوبی است که تفاوت نگاه آقا را با مستولان فرهنگی نظام برای شما عرض کنم. این فیلم را به همراه جمعی از هنرمندان و مسئولان در جلسه‌ای که آقا هم حضور داشتند، دیدیم. فیلم که تمام شد آقا به شدت برفروخته و ناراحت شدند.

یله سالل ۷۰ شاید هم ۷۱. آقا برفروخته شدند. این عین عبارت اقاست: اگر این فیلم مبتنی بر درام است که حرفی نیست ولی اگر مبتنی بر واقعات است من حرف دارم. آقای سیدمهدی شجاعی که نویسنده فیلمنامه بود، گفت: متأسفانه مبتنی بر واقعات است. و من هم ادامه دادم که این فیلم فقط گوشه‌ای از واقعیت است و اگر می‌خواستیم همه آن را نشان دهیم فیلم ظریف‌تین این همه تلخی را نداشت و بعد مصداق‌هایی را هم آوردیم.



گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان فنی گروه نمایشی ارمنستان در جشنواره تئاتر خیابانی میروان

تماشاگران تئاتر خیابانی میروان در دنیا منحصر به فرد هستند

سپیده آماده
این روزها مردم شهر میروان تماشای اجرای خیابانی نهمین جشنواره تئاتر خیابانی را هم در برنامه روزانه خود قرار داده‌اند و حضور گسترده اقشار مختلف مردم شهر در زمان اجراها موجب تحبیر و تحسین هم‌انان داخلی و خارجی را فراهم آورده است. به بهانه برگزاری جشنواره تئاتر خیابانی میروان پای صحبت آقا هارطونیان کارگردان گروه ارمنستان نشستیم.ام تا از تجربه حضورش در جشنواره تئاتر خیابانی میروان واثری که در این فستیوال ارائه داده، بیروسیم.

آقای هارطونیان، چطور شد که در

جشنواره بین‌المللی تئاتر میروان شرکت کردید؟

من در دو دوره از جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده‌ام و در همین راستا در جشنواره تئاتر خیابانی میروان هم شرکت کردم و بسیار خوشحالم که جشنواره‌های تخصصی تئاتر در کشور ایران برگزار می‌شود.

به باور من غیر از هنر، انسانیت و روابط عاطفی هم در عرصه جشنواره‌های هنری بین‌المللی برقرار می‌شود. ما قوانین کشور ایران را محترم می‌شمایم و نه به نه اجبار، که به دلخواه و برای احترامی که به ارزش‌ها و باورهای مردم کشور همسایه ایران داریم، با رعایت تمامی ارزش‌های ایران در جشنواره‌ها شرکت می‌کنیم.

سطح جشنواره را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من در جشنواره‌های مختلفی در سطح بین‌المللی شرکت کرده‌ام و این تصویر را ندیده‌ام، اینکه می‌بینم مردم شهر میروان می‌دوند تا به اجرای تئاتر برسند، این شور و اشتیاق برای تماشای تئاتر دارای اهمیت است و دوست دارم در تمام تاروزی به آن ایده‌آلی که می‌خواهد برسد.

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۶

گپ‌وگفتی با «مرتضی پایه‌شناس» درباره مستند تحسین شده «برای دخترم سمیه»

امیدوار به آمدن «سمیه» از لیبرتی هستیم

■ **وحید مهری**

«مرتضی پایه‌شناس»، متولد دومین سال از دهه برهیاها اما دوست‌داشتنی شصت در تهران است و فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد عکاسی از دانشگاه هنر. خودش در مورد چگونگی ورود به عرصه هنر و آغاز به کار خویش در این حوزه چنین می‌گوید: «من مدرسه‌ی تیزهوشان درس می‌خواندم، در آن سال‌ها که محصل بودم، مدرسه‌ام



■ **خیلی زود عاشق کار مستند شدم**
«پایه‌شناس» با آنکه این روزها بیشتر به واسطه مستند «برای دخترم سمیه» شناخته می‌شود، اما تا قبل از ساخت این مستند، کارگردانی آثار مستند و حتی داستانی زیادی را برعهده داشته است. او خود این کارها را این چنین معرفی می‌کند: «ابتدای کار من ۱۰ فیلم مستقل ساختم. یادم هست که حتی یک مجموعه بلند ۶۵ قسمتی برای تلویزیون کار کردم. همچنین فیلمی کوتاه با نام «فوندوستی» ساختم که جایزه یازمین گرفت. بعد از آن فیلم، مستندسازی را آغاز کردم و خیلی زود عاشق کار مستند شدم». کارهای دیگر م همگی مستند بودند، اکثراً کاندیدای دریافت جایزه شدند و برخی جوایزی هم به خود اختصاص دادند. سپس مستندی را به نام «ماموستا» ساخت که به روایت زندگی «ماموستا شیخ‌الاسلام» که در

ساخت مستندی با موضوع مجاهدین به این مونسه شد. «روایت فتح» هم به من پیشنهاد داد که کارگردانی این مستند را به عهده بگیرم اما من نمانیده‌نسلی هستیم که خیلی کم راجع به این سازمان شنیده بود. به هر دلیلی در کشور و در فضای رسانه‌ای مخصوصاً آن سال‌ها راجع به این سازمان خیلی کم صحبت می‌شد و من خیلی کنجکاو بودم که راجع به این سازمان بیشتر بدانم و برایم همیشه سوال بود که چگونه یک سری موهولن می‌توانند این همه به کشورشان و مر دم‌شان فعالیت کنند. خلاصه به دلایل مختلف مستند مذکور در آن سال‌ها ساخته نشد. ولی من می‌پر دارم؟ آیا به فیلمم باشم، آیا موفق می‌شود که این فیلم را می‌ساختم. مجاهدین از اشرف به لیبرتی نقل مکان کرده بودند، ولی من به لیبرتی هم نپر دارم. چون نمی‌خواستم وارد مسائل حاشیه‌ای بشوم. برای من قصه سر راست مشخص بود و من باید همان را فقط روایت می‌کردم.»

■ **وناگهان مورد عجیب سمیه**

اما حین ساخت مستند «ملاقات پشت دیوار اشرف» اتفاق مهم‌تری می‌افتد و «پایه‌شناس» با «مصطفی محمدی» – سوزه اصلی مستند «برای دخترم سمیه»- آشنا می‌شود. «زمانی که در حال انجام تحقیقات روی مستند «پشت دیوار اشرف» بودم، با «آقای محمدی» و ماجرای عجیب سمیه آشنا شدم. چون فیلم‌های وی در همه تظاهرات‌هایی که علیه سازمان برگزار می‌شد، وجود داشت. همچنین نامه‌هایش علیه سازمان منتشر شده بود. ایشان سابتی داشتند که از طریق ایمیل و شماره تلفنی که در آن سایت بود با ایشان ارتباط گرفتم. البته شکل گیری «جای خالی کار ساده‌ای نبود. چون سازمان برای اینکه حرف افرادی را که بر ضدش کار می‌کنند، بسوزاند، به آنها لقب «مزدور رژیم» می‌دهد. آقای «محمدی» هم برای اینکه این انگ به او نچسبد، خیلی فاصله‌اش را با ایران رعایت می‌کند و من هم با اینکه یک مستندساز مستقل هستم، اما در ذهن «آقای محمدی» وقتی در ایران زندگی می‌کنم نماینده جمهوری اسلامی محسوب می‌شوم. برای همین من پروسه سخت و دشواری را طی کردم تا اعتماد آقای محمدی را برای ساخت فیلم جلب کنم. چون به‌نظرم یک اتفاق ضد انسانی

رشته هنر نداشت و تا حدی ورود به این رشته مذموم بود. شاید بتوان گفت که من جهاد کردم و از آن مدرسه آدمم بیرون و به هنرستان سینمایی روایت فتح در دوره دبیرستان ورود پیدا کردم. من پس از دبیرستان وارد «دانشگاه هنر» شدم و در رشته عکاسی ادامه تحصیل دادم. هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه، در «مؤسسه روایت فتح» هم کار می‌کردم و البته این کار، بیشتر را به‌طور ی‌بود. کار حرفه‌ای من تقریباً از سال ۸۰ شروع شد.»

انتقاد را تا حدی می‌پذیرد و از اصلاح آن می‌گوید: «بینبند آمریکایی‌ها کاری نکردند که محمد آزاد شود. بلکه فشارهای خوادگی خود آقای محمدی بود که نتیجه داد. محمد، شهروند کاناداست و خانواده آقای محمدی به سفارت کانادا، این موضوع را که این فرد باید آزاد شود، آمریکایی‌ها هم مجبور می‌شوند تا به آزادی محمد کمک کنند. البته‌من مشخصاً در این نسخه جدید این موضوع را اصلاح کردم. چون یکی از بازخوردها همین موضوع بود که گفتید و در نسخه جدید این مسئله را بیشتر باز کردم تا این شائبه ایجادنشود که آمریکایی‌ها محمد را آزاد کردند.»

«پایه‌شناس» البته بعد از ساخت پنج مستند با موضوع مناقضین، هنوز فکر می‌کند که حرف‌های ناگفته زیادی در مورد این سازمان وجود دارد. «موضوعی که خیلی کم به آن پرداخته شده، مغزشویی گسترده نیروهای سازمان توسط سران این گروهک است. این پرسه‌های که طی می‌شود تا یک ساعت و نیم بود من نثایه به کم کردم تا فیلم به ۹۰ دقیقه رسید. یکی از فیلمتر‌های مهمی که من می‌گذاشتم این بود که من «مصطفی محمدی» هستم. چه چیزی برایم اهمیت دارد که در فیلمم باشم، آیا به مسائل دهه ۶۰ می‌پردازم؟ آیا به اقدام‌ها می‌پردازم؟ این‌چون من بچتم دخترم است. موقعی که این فیلم را می‌ساختم، مجاهدین از اشرف به لیبرتی نقل مکان کرده بودند، ولی من به لیبرتی هم نپر دارم. چون نمی‌خواستم وارد مسائل حاشیه‌ای بشوم. برای من قصه سر راست مشخص بود و من باید همان را فقط روایت می‌کردم.»

■ **من مطمئن محمدی هستیم**

تدوین این مستند هم البته کار چندان ساده‌ای نبوده: «نسخه اولیه فیلم پنج ساعت و نیم بود من نثایه به کم کردم تا فیلم به ۹۰ دقیقه رسید. یکی از فیلمتر‌های مهمی که من می‌گذاشتم این بود که من «مصطفی محمدی» هستم. چه چیزی برایم اهمیت دارد که در فیلمم باشم، آیا به مسائل دهه ۶۰ می‌پردازم؟ آیا به اقدام‌ها می‌پردازم؟ این‌چون من بچتم دخترم است. موقعی که این فیلم را می‌ساختم، مجاهدین از اشرف به لیبرتی نقل مکان کرده بودند، ولی من به لیبرتی هم نپر دارم. چون نمی‌خواستم وارد مسائل حاشیه‌ای بشوم. برای من قصه سر راست مشخص بود و من باید همان را فقط روایت می‌کردم.»

■ **سمیه هم اکنون در لیبرتی است**
«البته این را هم اضافه می‌کنم که احتمالاً کار بعدی‌اش موضوع دیگری غیر از این گروهک خواهد داشت. «من تلاش‌ام این است که کار اینده‌ام پیرامون مجاهدین نباشد، نه به‌خاطر اینکه ترسی داشته باشم، نه! این مستند برای من خیلی سنگین بود و من دوست دارم که حداقل مدتی از این فضا فاصله بگیرم به یک موضوع دیگری فکر کنم.»

جالب است که «پایه‌شناس» هنوز هم با آقای «محمدی» در ارتباط است و از همین رو، شاید کسانی که مستند را دیده‌اند، مایل باشند تا از سر نوشت فعلی «سمیه» هم بدانند: «سمیه هم اکنون «در لیبرتی» پایگاه جدید سازمان مجاهدین است و اطلاعات دیگری در دست نیست. چون همان‌گونه که در فیلم هم عنوان می‌شود، رد و بدل شدن اخبار از سازمان، نزدیک به صفر است.»

■ **این فیلم برای من تبدیل به یک موجود زنده شده است**
اما «برای دخترم سمیه» هنوز برای «پایه‌شناس» تمام نشده است و او به بازگشت سمیه از «لیبرتی» امیدوار است: «من تقریباً نزدیک به دو سال روی این مستند کار کردم، برای گفت‌وگو با برخی اعضای جاشده سازمان به کشورهای همچون سوئد، آلمان، فرانسه، عراق، ترکیه و سوئیس رفتم و خلاصه انودهای خیلی زیادی زدم و کنار گذاشتم. البته هنوز هم این مستند برای من تمام نشده است و در حال تکمیل بخش‌هایی از آن هستم. برخی از فیلم‌ها اخیراً به دست من رسیده داخلی نیزها داده شدند و شرایط لازم را برای هنر نمایی و برگزاری کنسرت هنرمندان وطنی که می‌تواند شعور فرهنگی جامعه را ارتقا دهد باشد. وی اظهار داشت: هنرمندان داخلی می‌شود، من هم مستند را به‌روز می‌کنم. این فیلم برای من تبدیل به یک موجود زنده شده است. شاید هم آن‌شاه‌الله آن موقعی که سمیه از لیبرتی بیرون بیاید مستند را تمام کنیم.»

نمایش فیلم توقیفی در خانه هنرمندان با کدام مجوز؟

کانون فیلمی را پیدا کرده که ورود به آن برای عموم با پرداخت هزینه عضویت آزاد است، پرسشی است که یقیناً مسئولان خانه هنرمندان باید به آن پاسخ دهند. آیا نمایش فیلمی که مجوز نمایش ندارد در مرکزی عمومی به نوعی دهان کجی به متولی اصلی سینمایی افشود؛ سازمان سینمایی چیست؟

■ **ظن خیانت است که اوضاع را آشفته می‌کند**

«بلوک ۹ خروجی ۲» که از حضور بازیگرانی نظیر امیر جعفری، پانتا بهرام، حمیدرضا آذرنگ، الهام کردا و شبنم مقدمی سعودی می‌برد حکایت زن و شوهری (با بازی امیر جعفری و پانتا بهرام) را روایت می‌کند که چندسال از جدایی‌شان می‌گذرد اما برای بهبود و سلامت روحی دخترشان به مسافرت می‌روند. این در نشر ایطی است که هر دو نفر یعنی هم‌زن و هم مرد مجدداً از دواج کرده‌اند و همراه شدن مجدد این دو، شک همسر تازه‌زن (با بازی حمیدرضا آذرنگ) را برمی‌انگیزد و ظن خیانت است که اوضاع را به شدت آشفته می‌کند.

■ **آیا این نوعی دهان کجی نیست؟**

حالاً اینکه این فیلم با کدام مجوز صلاحیت نمایش در



پخش «مختارنامه» با کیفیت اچ‌دی

دبیر شورای معارف سیما از تدارک برنامه‌های ویژه برای ماه محرم خبر داد و گفت: در این ایام مجموعه «مختار نامه» با کیفیت بالا از شبکه اچ‌دی پخش می‌شود.

گروسی رئیس شورای معارف سیما و مدیر شبکه قرآن گفت: شبکه یک، سربال «برده‌نشین» را به کارگردانی بهروز شعبویی و تهیه‌کنندگی محمود رضوی به روی آنتن خواهد برد و شبکه دو، سربال‌های «برخته»، «تا آخرین نفس» و «بزرگمرد کوچک» را پخش می‌کند. البته این شبکه برنامه‌هایی نظیر «قصه‌های خواننده»، «وقتی ایرها با پاپین می‌آیند»، «اهل‌العالم» و «نخل گردانی قصص کاشان» را هم در جدول پخش خود قرار داده است.

وی ادامه داد: شبکه سه هم «طوطیها»، «خطبه عشق»، «صبح»، «عترت» و «مشل باران» و «نامه‌های شفاغی» پخش می‌شوند. شبکه چهار نیز سری جدید بر نامه «گفت‌وگوی تنهایی» را با محوریت محرم به روی آنتن می‌برد و «مجله تئاتر»، «کتایشناسی عاشورایی»، «تاریخ عاشورا»، «ادبیات آئینی» و «آواهای حسینی» در این شبکه روی آنتن می‌رود.

شبکه تهران نیز «فانوس»، «غمه عشاق»، «دلداده‌های حسینی»، «بیتوپایان»، «درس‌های عاشورایی» و «آیه‌های سرخ» را در نظر گرفته و شبکه قرآن هم سربال قدیمی «سرگشته» را به روی آنتن می‌برد. «چاووش»، «هرتیه خوشبید»، مسابقات «فر دوس» و «نور مبین» هم برای ماه محرم تولید شده‌اند. «حدیث معرفت» نیز به معرفی عزاداری استان‌ها می‌پردازد و برنامه‌ای هم برای معرفی جریان‌های افراطی در شبکه قرآن طراحی شده است.

دبیر شورای معارف سیما اظهار داشت: شبکه مستند هم «پشت فرات»، «پیرغلامان»، «مثبت ۷۰»، «تربان»، «عاشوراییان»، «پا پای دل سفر کن»، «ضرب عشق» و «تک چراغ شب تار» را در نظر گرفته و «حسینیّه» و «معرج عشق» و «پنجره» نیز بر نامه‌های شبکه جهانی جام جم در ماه محرم هستند.



بهره‌برداری های مالی پشت پرده سفر کیتارو به ایران

از قدیم گفته‌اند که باید ابتدا نیازهای خانه خودمان را تأمین کنیم و بعد کمک به دیگران را در نظر بگیریم و حالا این حکایت دعوت از کیتارو به ایران است.

فرمان فتحعلیان خواننده موسیقی کشور مان در گفت‌وگو با خبرگزاری میزان درباره سفر «کیتارو» موسیقیدان ژاپنی به تهران گفت: حضور بزرگان موسیقی جهان در کشورمان طبیعتاً خوب است مشروط به اینکه به هنرمندان داخلی نیزها داده شود و شرایط لازم را برای هنر نمایی و برگزاری کنسرت هنرمندان وطنی که می‌تواند شعور فرهنگی جامعه را ارتقا دهد باشد. وی اظهار داشت: هنرمندان داخلی برای برگزاری کنسرت اول باید کلی دوندگی کنند تا مجوز بگیرند که بعد از آن هم باید هزینه بسیار سنگینی را برای اجاره سالن کنسرت بپردازند. به عنوان مثال تأمین هزینه اجاره ۵۵ میلیون تومانی برای یک ستائسن کنسرت، هنر مند را واقعاً خسته و دلزده می‌کند.

این هنرمند که در سال ۹۱ ال‌بوم «با مردم بیگانه» را به بازار ارائه کرده است، گفت: شاید دست‌اندر کاران و مدیران عرصه هنر کشورمان بر این تصورند که ما هنرمندان برایشان در سرا ایجاد می‌کنیم و مزاحمشان هستند، مستیم که برای برگزاری کنسرت‌های ما کمکی عایدمان نمی‌شود.

وی با تأکید بسر اینکه دعوت از هنرمندان خارجی بسا بهره‌برداری مالی و در واقع نوعی دلالی صورت گرفته افزود: در پشت پرده حضور چهره‌هایی مانند کیتارو و کنسرت‌گذاری در داخل بهره‌برداری‌های مالی شکل می‌گیرد. البته شاید درد ختلی کمی از این حضور هم با اهداف فرهنگی صورت گیرد.

فتحعلیان ادامه داد: اما در مجموع این‌گونه برنامه‌ها بیشتر شبیه به دلالی‌هایی است که پول خوبی را عاید واسطه‌ها می‌کند. فرمان فتحعلیان در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان ساخت: پیروز ارجمند مدیر دفتر موسیقی ارشاد بارها گفته است که تلاش می‌کند تا این دلال‌ها را از عرصه هنر دور کند و ما هم دعا می‌کنیم که موفق گیرد.